

Will It Happen? Likely, Unlikely or Inevitable

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

99 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, are we still going to the outdoor concert tomorrow?

مارتین، هنوز قرار است فردا به کنسرت فضای باز برویم؟

Probably.

احتمالا.

Have you seen the weather forecast?

پیش‌بینی هوا را دیده‌ای؟

Yes.

بله.

Maybe it will rain.

شاید باران ببارد.

Rain is likely.

بارش باران محتمل است.

Cancelling the concert is unlikely.

لغو کنسرت بعید است.

Getting wet may be inevitable.

خیس شدن شاید اجتناب‌ناپذیر باشد.

That became very precise very quickly.

خیلی سریع خیلی دقیق شد.

Today we are learning why those three words are not interchangeable.

امروز یاد می‌گیریم چرا این سه واژه قابل جایگزینی با هم نیستند.

Welcome to Your English Toolbox and Practice Arena Five-Minute English.

به Your English Toolbox و Practice Arena Five-Minute English خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.

And I am Julia.

و من جولیا هستم.



Today we are comparing likely, unlikely and inevitable.

امروز likely، unlikely و inevitable را مقایسه می‌کنیم.

Let us begin with likely.

بیایید با likely شروع کنیم.

Likely means expected or probable, but not completely certain.

یعنی مورد انتظار یا محتمل، اما نه کاملاً قطعی Likely.

The forecast says there is an eighty per cent chance of rain.

پیش‌بینی می‌گوید احتمال باران هشتاد درصد است.

So rain is likely.

پس بارش باران محتمل است.

We can say: Rain is likely tomorrow.

می‌توانیم بگوییم: فردا احتمال باران زیاد است.

Or: It is likely to rain tomorrow.

یا: احتمالاً فردا باران می‌بارد.

And we can say: It is likely that the concert will continue.

و می‌توانیم بگوییم: احتمال دارد کنسرت ادامه پیدا کند.

Notice the useful patterns.

به این الگوهای کاربردی توجه کنید.

Something is likely.

چیزی محتمل است.

Something is likely to happen.

احتمال دارد چیزی رخ دهد.

Or it is likely that something will happen.

یا احتمال دارد که چیزی اتفاق بیفتد.

Can I say, "It will likely rain"?

می‌توانم بگویم «It will likely rain»؟

That is common, especially in American English.

این ساختار به‌ویژه در انگلیسی آمریکایی رایج است.

But "It is likely to rain" is a very useful pattern for every learner.

اما «It is likely to rain» الگویی بسیار کاربردی برای هر زبان‌آموز است.

Likely does not mean certain.

به معنای قطعی نیست Likely.



Correct.

درست است.

An event can be likely and still not happen.

یک رویداد می‌تواند محتمل باشد و با این حال رخ ندهد.

Now let us look at unlikely.

حالا بیایید unlikely را بررسی کنیم.

Unlikely means not expected or not probable.

یعنی دور از انتظار یا بعید.

The organisers have covered the stage, so cancellation is unlikely.

برگزارکنندگان روی صحنه را پوشانده‌اند، بنابراین لغو برنامه بعید است.

Or: It is unlikely that the concert will be cancelled.

یا: بعید است کنسرت لغو شود.

We can also say: The band is unlikely to arrive late.

همچنین می‌توانیم بگوییم: بعید است گروه دیر برسد.

Likely and unlikely use the same basic grammar patterns.

الگوهای دستوری پایه یکسانی دارند Likely و unlikely.

But they point in opposite directions.

اما به دو جهت مخالف اشاره می‌کنند.

Exactly.

دقیقا.

Likely means we expect it.

یعنی انتظارش را داریم Likely.

Unlikely means we do not expect it.

یعنی انتظارش را نداریم Unlikely.

Is unlikely the same as impossible?

آیا unlikely همان غیرممکن است؟

No. An unlikely event can still happen.

نه. یک رویداد بعید هنوز هم ممکن است رخ دهد.

Winning a large prize is unlikely, but it is not impossible.

بردن یک جایزه بزرگ بعید است، اما غیرممکن نیست.

And the weather can always surprise us.

و هوا همیشه می‌تواند غافلگیرمان کند.



Unfortunately, yes.

متأسفانه، بله.

Our third word is inevitable.

واژه سوم ما inevitable است.

Inevitable means certain to happen or impossible to avoid because of the circumstances.

یعنی چیزی حتما رخ می‌دهد یا به دلیل شرایط نمی‌توان از آن جلوگیری کرد inevitable

If we stand outside in heavy rain without an umbrella, getting wet is inevitable.

اگر بدون چتر زیر باران شدید بایستیم، خیس شدن اجتناب‌ناپذیر است.

Or: Some delays were inevitable during the building work.

یا: در طول عملیات ساختمانی برخی تأخیرها اجتناب‌ناپذیر بود.

Inevitable is much stronger than likely.

است likely بسیار قوی‌تر از inevitable

Likely means probably.

یعنی احتمالا likely

Inevitable means there is no realistic way to prevent it.

یعنی راه واقع‌بینانه‌ای برای جلوگیری از آن وجود ندارد inevitable

Can an inevitable event be positive?

آیا یک رویداد اجتناب‌ناپذیر می‌تواند مثبت باشد؟

Yes.

بله.

The word is often used for problems or consequences, but not exclusively.

این واژه اغلب برای مشکلات یا پیامدها به کار می‌رود، اما نه فقط برای آن‌ها.

For example: With her talent and preparation, further success seemed inevitable.

برای مثال: با استعداد و آمادگی او، موفقیت‌های بیشتر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید.

We should still be careful with it.

با این حال، باید در استفاده از آن دقت کنیم.

Yes.

بله.

If several outcomes remain possible, inevitable is probably too strong.

اگر چند نتیجه همچنان ممکن باشد، inevitable احتمالا بیش از حد قوی است.

And we do not usually make it stronger by saying very inevitable.

و معمولا با گفتن very inevitable آن را قوی‌تر نمی‌کنیم.



Something is either unavoidable or it is not.

چیزی یا اجتناب‌ناپذیر است یا نیست.

Let us compare all three words.

بیایید هر سه واژه را مقایسه کنیم.

Likely means expected, but not certain.

یعنی مورد انتظار، اما نه قطعی Likely

Unlikely means not expected, but still possible.

یعنی دور از انتظار، اما هنوز ممکن Unlikely

Inevitable means certain or impossible to avoid.

یعنی قطعی یا اجتناب‌ناپذیر Inevitable

Time for a quick challenge.

وقت یک تمرین کوتاه است.

Choose likely, unlikely or inevitable before we answer.

پیش از شنیدن پاسخ، likely، unlikely یا inevitable را انتخاب کنید.

Situation one.

موقعیت اول.

Dark clouds cover the sky, and the forecast gives an eighty per cent chance of rain.

ابرهای تیره آسمان را پوشانده‌اند و پیش‌بینی احتمال باران را هشتاد درصد اعلام می‌کند.

Rain is likely.

بارش باران محتمل است.

Situation two.

موقعیت دوم.

The concert has a covered stage and thousands of tickets have been sold.

کنسرت صحنه سرپوشیده دارد و هزاران بلیت فروخته شده است.

Cancellation is unlikely.

لغو برنامه بعید است.

Situation three.

موقعیت سوم.

You leave your umbrella at home and stand in heavy rain for twenty minutes.

چترتان را خانه می‌گذارید و بیست دقیقه زیر باران شدید می‌ایستید.

Getting wet is inevitable.

خیس شدن اجتناب‌ناپذیر است.



Situation four.

موقعیت چهارم.

A small team has a good idea, but many different outcomes are still possible.

یک تیم کوچک ایده خوبی دارد، اما هنوز نتایج گوناگونی ممکن است.

Success may be likely, but it is not inevitable.

موفقیت ممکن است محتمل باشد، اما اجتناب‌ناپذیر نیست.

Now improve this sentence: Maybe the train will be late.

حالا این جمله را دقیق‌تر کنید: شاید قطار دیر برسد.

Do the available facts suggest that it probably will be late?

آیا اطلاعات موجود نشان می‌دهد که احتمالا دیر می‌رسد؟

Then a delay is likely.

پس تأخیر محتمل است.

Do the facts suggest that it probably will not be late?

آیا اطلاعات نشان می‌دهد که احتمالا دیر نمی‌رسد؟

Then a delay is unlikely.

پس تأخیر بعید است.

Is there no realistic way to avoid the delay?

آیا راه واقع‌بینانه‌ای برای جلوگیری از تأخیر وجود ندارد؟

Then the delay is inevitable.

پس تأخیر اجتناب‌ناپذیر است.

On the episode page at yourenglishtoolbox.com, you can download the vocabulary worksheet and practise these contrasts with new situations.

در صفحه اپیزود در yourenglishtoolbox.com می‌توانید برگه واژگان را دانلود کنید و این تفاوت‌ها را با موقعیت‌های تازه تمرین کنید.

That gives you a useful way to check whether you can choose the word without our help.

این راهی مفید است تا بررسی کنید آیا می‌توانید بدون کمک ما واژه درست را انتخاب کنید.

The direct link is in the episode description.

لینک مستقیم در توضیحات اپیزود است.

So, are we going to the concert?

پس، به کنسرت می‌رویم؟

Yes.

بله.

Rain is likely, but staying at home is unlikely.

باران محتمل است، اما خانه ماندن بعید است.



And forgetting the umbrellas?

.....

و فراموش کردن چترها؟

If you are responsible for them, that may be inevitable.

.....

اگر مسئولشان تو باشی، شاید اجتناب ناپذیر باشد.

That seems unfair.

.....

این ناعادلانه به نظر می‌رسد.

It seems likely.

.....

محتمل به نظر می‌رسد.

See you next time, friends.

.....

تا دفعه بعد، دوستان.

Goodbye.

.....

خداحافظ.

